

دکتر باقرپور کاشانی



راه‌های حمله شیعه به آئیست‌ها

راه‌های حمله شیعه به آتئیست‌ها

حالا دوستان ببینید بحث‌هایی هست که الان فرصت نیست من بخواهم عرض کنم، تا اینجا من گفتم خطرات آتئیست چیست، حملاتشان به چه صورت است، با آنها باید چه کار بکنیم، با هر حمله‌ای چه واکنشی باید نسبت به آنها داشته باشیم؛ حالا بحث‌های دیگری داریم، حالا حملاتی که ما می‌کنیم، ما حمله داریم می‌کنیم دیگر! گاهی اوقات شده که می‌گویند فقط بگذارید آتئیست شبهه‌اش را مطرح کند و ما پاسخ بدهیم، نه!

ما حمله می‌کنیم به آنها! ما حمله می‌کنیم آنها پاسخ بدهند؛ خیلی مسائلی است که آنجا مطرح می‌شود.

یا یک راه دیگری هم هست، می‌گوییم آقا جان ما ادله خودمان را به صورت اثباتی بیان می‌کنیم؛ ادله اثبات وجود خدا، یک دو سه چهار، یکی یکی بیان می‌کنیم، شما بیا پاسخ بده و داریم ادله محکم، نیاز به فلسفه غرب و شرق هم ندارید، مطالب خوب توی این‌ها زیاد است، اما عرض من چیز دیگری هست.

اگر یک شیعه که یقین به شیعه بودنش دارد، فرمایشات معصومین علیهم‌السلام در دستش هست، در فرمایشات معصومین یا در آیات قرآن برهان عقلی خوابیده.

شما نگوئید که امام صادق علیه‌السلام گفته، نگوئید در قرآن این دلیل آمده، شما برهان را ارائه بدهید؛ من اعتقادم این است که قوی‌ترین براهین در فرمایشات معصومین علیهم‌السلام هست، یعنی جریان خدانا باوری این‌گونه نیست که جدید باشد و قبلاً نبوده؛ در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده، [در عصر] ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده، احتجاجات، مناظرات فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام هست با افراد خدانا باور؛ آن‌ها را نگاه بکنیم براهین این‌ها را استفاده بکنیم.

من خودم خدا را شاهد می‌گیرم مناظراتی که تا حالا هرچه داشتم، همه را از فرمایشات معصومین استفاده کردم و خاطر من نیست در یک مناظره شکست خورده باشم، آن‌قدر براهین محکم هست، یعنی [این براهین رو] حجت الهی [برای ما] دارد ارائه می‌دهد.

سوال حاضران:

- ببخشید اینکه می‌گویند از برهان‌ها استفاده کنید، منظورتان چیست؟

یعنی چی؟ یعنی خود معصومین برهان و استدلال ارائه می‌دهد، ببینید ما فکر می‌کنیم آن چیزی که در آیات و روایات است، یک مشت خوب و بد هست! این خوب است، این بد است، این واجب است، این حرام است، این حلال است، این مباح است، این مستحب است و این مکروه هست... نه این‌ها نیست، فوق این حرف‌هاست. این‌ها در مورد قسمتی از دین هست، فوق این حرف‌ها در آیات و روایات در مورد ادله و براهین، استدلال‌های عقلی دارند. مثلاً خدا هست، استدلال برای وجود خدا. یک نمونه عرض بکنم، چقدر فراوان هست، که متأسفانه چون این‌ها گفته نشده ما فکر می‌کنیم آقا، برهان وجود خدا مثلاً «برهانِ آنسل» ما باید مطرح بکنیم! نه! آن‌ها هم استفاده خواهیم بکنیم سر جای خودش بررسی می‌کنیم، اگر صحیح بود استفاده می‌کنیم موردی ندارد. اما عرض من این است که این برهان‌های قوی، این استدلال‌های قوی در آیات و فرمایشات معصومین هست، خودشان آموزش دادند با مخالفین با کسانی که انکار وجود خدا می‌کنند این‌گونه با آن‌ها بحث بکنید. سوره مبارکه طور، آیه ۳۵ اگر اشتباه نکنم، باز هم چک بکنند دوستان، آیه ۳۵ بود خاطر هست، آیه این است: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ» آیا شما خلق شده‌اید از غیر شیء؟ «شیء»
یعنی حقیقت وجودی، غیر شیء یعنی عدم؛ آیا این عالم، آیا شما از نبود
ایجاد شدید؟

هیچ آتئیستی این حرف را نمی‌زند! با آتئیست‌ها که بحث می‌کنیم
می‌گویند که ما قائلیم به اصول ازلی عالم؛ عالم ازلی هست بله منتها
ماده‌ست؛ همین‌طور که شما می‌گویید خدا بوده بوده بوده، ما می‌گوییم
ماده بوده بوده بوده؛ ماده یک حقیقت فرامادی نیست، ماده قائم به
خودش هست! آیه چه می‌گوید: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ» شما از عدم
ایجاد شدید؟ نه! «أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ» یا خودتان، خودتان را خلق کردید؟!
این دو جور می‌شود، یعنی پدر و مادری نداشتیم، خودم خودم را خلق
کردم، من که نبودم بخوادم خودم را خلق بکنم که، این محال است! یا
کسی شبیه من هست من را خلق کرده؛ یعنی چی؟ یعنی خودتان خودتان
را خلق کردید، من را پدر و مادرم خلق کرده، پدر و مادرش و پدر و
مادرش همین‌طور همین‌طور برگردین به آخر، این‌ها خودشان خودشان
را خلق کردند، یا این‌طوری بوده، این می‌رسد به تسلسل، تسلسل محال
است، اجتماع نقیضین چون محال است تسلسل محال است!

شما هر چیزی را که انگشت بگذاری، تو خودت را نگاه بکن، تو خودت از هیچ که به وجود نیامدی، هیچ‌کسی هم نگفته که تو از هیچ به وجود آمدی؛ هیچ چیزی نیست که بخواهد علت باشد؛ یا خودتان خودتان را به وجود آوردید، بالاخره من نیاز دارم، من عین نیازم، نیاز به خیلی چیزها دارم... آن کسی هم که من را به وجود آورده نیاز دارد، آن کسی هم که ایشان را به وجود آورده نیاز دارد، خب این‌ها باید نتیجتاً به یک حقیقتی بی‌نیاز برسند. عقل این را حکم می‌کند؛ مثال می‌زنم خدمت شما؛ بنده یک جا آویزان شدم پای یک نفر را از زیر گرفتم، آن یکی پای یکی دیگر را گرفته، آن یکی دیگر پای یکی دیگر را گرفته بعد می‌گوید خب آقا تهش چه می‌شود؟! می‌گویند تهش را ولش کن! می‌گوید آقا! این بالاخره باید به یک جایی وصل باشد، به لبه پشت بومی باید وصل باشد، نمی‌توانی هی بگویی اضافه‌اش کن برو بالا! شما نگاه کنید می‌گویم که آقا این پدر و مادر من نیازمند هست، من هم نیازمند به پدر و مادرم بودم من را به وجود آوردند، پدر مادرم همین‌جور، عالم، هوا، آب، خاک و... همین‌طوری می‌رویم عقب، هی داریم می‌رویم عقب، بعد می‌رویم عقب می‌گویی آقا ولش کن دیگر! می‌گوید نمی‌شود که ولش کن!

می‌گوید اجزاش چقدر است؟ می‌گوید اجزاش خیلی هست! خیلی وابستگی [دارد]، هی علت داشته معلول داشته، علت داشته معلول داشته، سوال می‌کنیم، می‌گوید آقا این علت و معلول‌ها در آن تهش به یک حقیقت بی‌نیازی می‌رسد یا نمی‌رسد؟ می‌گویند نمی‌رسد! می‌گوید خب بالاخره اجزایی بوده، این اجزای طولانی‌ای که بوده، اجزای کثیری که بوده، این اجزاء، این سلسله‌ای که حساب می‌کنی، این سلسله، ولو حالا اسمش را می‌توانی بگذاری بی‌نهایت، این سلسله‌ای که لحاظ می‌کنی تشکیل شده از چی؟ تشکیل شده از اجزایی دیگر، اجزاش چیست؟ من هستم، شما هستی، این حیوان است، آب است، خاک است، در همه این‌ها نیاز خوابیده است. این سلسله غیر اجزاش چیزی نیست که! شما هی زیادش بکن، با زیاد کردن دردی دوا نمی‌شود!! دوتا جزء نیازمند، سه تا جزء نیازمند، ده تا جزء نیازمند، صد تا جزء نیازمند، میلیون جزء نیازمند، میلیارد جزء نیازمند، از نیازمند بی‌نیاز در نمی‌آید که! لذا این قاعده منطقی و عقلی هست که کل آن مجموعه که تشکیل شده از اجزاء، همان حکمی که نسبت به اجزاء هست، نسبت به مجموعه هم دارد؛ نمی‌توانیم مجموعه‌ای که تشکیل شده از اجزاء نیازمند بعد بگوییم بی‌نیاز است!

به خاطر اینکه این مجموعه تشکیل شده، غیر اجزاش چیزی نیست، در اجزاش همه نیاز خوابیده؛ پس این مجموعه «باید» به یک حقیقت «بی‌نیاز» ختم بشود!

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»؛

ببینید، آیا شما از عدم به وجود آمدید؟ نه!

آیا خودتان، خودتان را خلق کردید؟ هیچ‌کدام! اثبات یک حقیقت فرامادی شد، یک حقیقتی شد که بی‌نیاز شد.

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ»

خودمان، و خود این مجموعه خودش، خودش را به وجود نیاورده. شدند مادی و نیازمند، پدر و مادر شما هم نیازمند و مادی هستند، مجموعه‌ای که در پیرامون شما هست همه‌اش مادی و نیازمند هستند، ماده عین نیاز هست، عین فقر... پس اینجا نمی‌شود گفت که این مجموعه خودش، خودش را به وجود آورده؛ چون همه این‌ها مسبوق به عدم هستند، عین فقر هستند، عین نیاز هستند، باید به یک حقیقتی برسد که ویژگی‌های ماده و لواحق مادی را نداشته باشد، آن می‌شود خدا.

حقیقتی که بی‌نیاز باشد.

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»

ببینید تا دلتان بخواهد از این برهان‌ها هست، من با تمام آتئیست‌ها از همین براهین استفاده کردم.

روایات غوغاست، روایات را اگه نگاه بکنی، استدلال‌هایی که در اثبات وجود خداست، چقدر دقیق، چقدر عالی استفاده شده.



[@aparat.com/be_sooye_zohoor](https://aparat.com/be_sooye_zohoor)



[v_bagherpour_kashani](https://www.instagram.com/v_bagherpour_kashani)



[@seratehagh1](https://t.me/seratehagh1)



[besouyezohour](https://www.besouyezohour.com)



[bagherpour-kashani.com/](https://www.bagherpour-kashani.com/)



[@serat12k](https://www.serat12k.com)



[youtube.com/c/seratehagh](https://www.youtube.com/c/seratehagh)



<https://naakhodaa.ir>